

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

فراموشی

به یاد لعلت از چشم گهر ریخت
تو ای صیاد، رحمی کن خدا را
شدم خونین جگر از فرقت تو
تو تا رفتی ز چشم ای نور دیده
سری میخواست در پایش فتادن
کمرها زیر بار غصه خم شد

به فکر قدت از آهم شر ریخت
به آن مرغی که در دام تو پر ریخت
سرشک از دیده با خون جگر ریخت
سیه شد روزم و نور از بصر ریخت
به پیشش سر بسر دیدم که سر ریخت
چو زلف آن پریرو تا کمر ریخت

«اسیر» ما ز عمری در قفس ماند

که صیادش ز خاطر برد و پر ریخت

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، حمل 1330 ش)